



انجمن حقوقی کد ۹۰
isu-law90.samenblog.com

مقوق جزای عمومی ۲ (دکتر قاسم محمدی) / جلسه سوم

باسمه تعالی



انجمن حقوقی کد ۹۰
isu-law90.samenblog.com

حقوق جزا عمومی ۲ (دکتر قاسم محمدی)

جلسه سوم



بحث ما بر سر این بود که چه کسانی می توانند مجرم شناخته بشوند و به واسطه ی انجام یک عمل مجرمانه بشود عمل را به آنها منسوب کرد و ببینیم این ها آیا مسئول هستند یا نیستند؟ برای اینکه نشان بدهیم اساساً بحث ما در چه موقعیتی قرار دارد باید بگوییم :

ببینید برای اینکه بتوانیم در حوزه حقوق کیفری فردی را مجازات کنیم و با او برخورد کیفری بکنیم چند چیز لازم داریم یکی ارتکاب جرم است یکی مسئولیت است و یکی امکان مجازات. اگر این سه تا باشد فرد مجازات می شود ارتکاب جرم همان سه رکن قانونی مادی و روانی است در حوزه مسئولیت هم شما نیاز به این دارید که فرد اهلیت داشته باشد و اقدام عوامل رافع امکان مجازات هم یعنی اینکه عفو اتفاق نیفتاده باشد مرگ اتفاق نیفتاده باشد مسئله ما این است که وقتی جرم محقق شد مجموعه این ها یک پدیده ای و یک عاملی را ما شناسایی می کنیم که به این عامل می گوییم "مجرم"

مسئله این است که در ارتکاب یک جرم چه کسانی مجرم تلقی می شوند و گفتم که در حوزه کاری این ترم ما داریم از مجرم و مسئول کیفری صحبت می کنیم.

یک نظریه وجود دارد که میگوید در خصوص یک جرم جز یک نفر را نمی شود مجرم تلقی کرد لذا در صورت ارتکاب هر جرمی آن ها یک نفر را مسئول می دانند البته امروزه این نظریه مخالفین زیادی دارد و کسی چندان طرفدار این نظریه نیست و نظریه حاکم این است که جرم که واقع می شود ما باید ببینیم این جرم به چه کسانی قابل انتساب است به هر کسی که قابل انتساب باشد آن آدم قابل مجازات است گرچه چند نفر باشند سابقاً در خصوص ارتکاب جرم یک نفر افراد زیادی احتمال داشت در نظام های باستانی حقوق کیفری گاهی اوقات مجرمیت یک مسئله ی منحصر بفرد نبود علاوه بر خود فرد می توانست خیلی ها را در بر بگیرد در حوزه مسئولیتش یعنی اگر یک نفر مرتکب جرم می شد گو اینکه یک جماعتی مرتکب این جرم شده اند آثاری از این نگاه سنتی هنوز در حقوق کیفری ما هست مثل ضمان عاقله که وقتی یک نفر مرتکب یک جرم می شود شما حتی از خود آن آدم صرف نظر می کنی می روی سراغ عاقله اش این در حقوق کیفری گذشته جایگاه و پایگاه مستحکمی داشته یعنی اگر کسی از یک خانواده مرتکب عملی می شد خانواده مسئول بود حتی شاید خانواده را مجرم می دانستند به خانواده گفته می شد چون مانع نشدید پس شما هم کوتاهی کردید و مجرم هستید این در سنت عرب جاهلی کاملاً به وضوح وجود داشته وقصاص که می گوید *و لکم فی القصاص حیوه* به همین است یکی از جوه این آیه این است که اعراب وقتی یکی از یک قبیله فردی از قبیله دیگر را می کشت با شخص طرف نبودند با قبیله طرف بودند در همین فضا هم هست که آیه *کتب علیکم القصاص فی القتلی الحر بالحر و العبد بالعبد و الانثی بالانثی* قابل معنا کردن است این آیه معنایش این نیست که حر در برابر حر کشته میشود و عبد در برابر حر کشته نمی شود این آیه اصلاً در صدد بیان شرایط برابری در قصاص نیست اصل شخصی بودن مسئولیت را دارد بیان می کند این آیه می گوید اگر حری حری را کشت همان حر در برابر آن حر کشته می شود سنت عربی این بود که به خاطر شرافت قبیله ایشان اگر یک نفری نفر دیگری را می کشت میگفت ما بنی فلانیم و شرافتمان از



بنی فلان بیشتر است آنها اگر یک حر از ما بکشند ما دو حر می کشیم اگر از ما یک نفر بکشند ما سه نفر می کشیم برای اینکه شرافت قبیله ایمان تسکین پیدا کند یا اگر مثلاً عبدی عبد دیگری را می کشت می گفتند چون ما بنی فلانیم عبد ما مثل حر آن قبیله است این نشانگر یک سنت کثیف جاهلی است که شما انسان ها را با هم برابر نمی بینید این نشان می دهد در سنت آن دوره اساساً کاری نداشتند چه کسی مرتکب جرم شده برایشان مهم این بود که یک نفر از اینها در برابر این یک نفر باید بروند یک تعدادی را بکشند که عصبیت عریشان فرو کش کند نمونه اش در وصیت نامه حضرت امیرعلیه السلام به امام حسن مجتبی علیه السلام است که راه نیفتید و بگویید قُتِلَ امیر المومنین و یک جماعتی را بکشید . یک نفر مرا کشته همان یک نفر هم مسئول است لابد این سنت بوده که حضرت نهی می کند اما با گسترش تفکر اخلاقی که شاید بار زیادی را در طول تاریخ انبیا به دوش کشیدند خیلی سعی شده است که این مسایل را حل کنند و شاید اولین جایی که آثار حل شدن این مسایل را می بینید در متون دینی است * لا تزر وازره **وزر اخری*** که در قرآن دو سه بار تکرار شده مسئله مهمی است که شما در آن عصر شاید کم تر ببینید هر کسی پاسخگوی عمل خودش است آنچه که در تفکر اسلامی ملاک قضیه بوده این بوده است که عمل به چه کسی منتسب است اما درعین حال اندیشه اسلامی این انتساب را خیلی خشک و جامد ندیده علاوه بر خود مباشر جرم و منتسب جرم که می تواند عمل به او مستقیماً منتسب شود کسان دیگری را هم وارد قضیه کرده که معاون و شریک هستند .

مباشر کسی است که ارکان مادی جرم را به شخصه و بدون واسطه انجام داده اما مسبب کسی است که واسطه خورده این واسطه می تواند یک وضعیت باشد یا یک شخص باشد یک حیوان باشد یا امثالهم که شخص می توانست خود مجنی علیه باشد یا شخص ثالث لذا فقها ۴ حالت را طراحی کرده اند که قبلاً اشاره شد. این که چه سببی سبب جرم تلقی می شود به ویژه وقتی دو تا انسان وجود دارند مسئله را دشوار می کند این که ما اساساً چه کسی را عامل جرم بدانیم یا سبب جرم بدانیم خیلی مهم است در میان فقها یک بحثی در گرفته است که اگر کسی دیگری را مجبور به ارتکاب عملی بکند یا کسی با دیگری در ارتکاب عملی حضور داشته باشد اساساً با چه شرایطی امکان دارد که ما این را در کنار هم ببینیم که اجمالاً یک توضیحی می دهم.

فقها می گویند که اگر یک نفر بخواهد در خصوص عمل دیگری مداخله ای داشته باشد که آن عمل جرم است از ۴ حالت خارج نیست یا علت تامه است یا سبب است یا ایجاد شرط کرده یا رفع مانع کرده . با این ۴ تا حالت احتمال دارد یک نفر توانسته باشد در عمل دیگری مداخله کند حقوقدانها اصلاً وارد این حرف ها نشده اند.

البته بحث عدم ایجاد مانع هم محل بحث است که آیا رفع مانع محل بحث است یا عدم ایجاد مانع در هر چهار صورت فقه حالت هایی را شناسایی می کنند که فرد احتمال دارد نسبت به عمل دیگری مسئول باشد مسئله این است در دو حالت اول که فرد اول علت تامه یا سبب انجام عمل نفر دوم می شود را مجرم دانسته اند و مباشر را کنار گذاشته اند یعنی سبب را مجرم دانسته اند جز در مورد فرد دوم در خصوص قتل که اکراه در قتل را نپذیرفته اند و الا در تمامی موارد هر جا عمل یک فرد علت تامه ی عمل دیگری است یا سبب علت عمل دیگری است سبب می تواند مجرم باشد در فرض اول در همه حالات در فرض



دوم مشروط به این که سبب اقوی از مباشر باشد یعنی موقعیت سبب قوی تر از مباشر باشد استثنایش فقط اکراه در قتل است. لذا اگر کسی دیگری را اکراه کند مجبور کند و امثالهم سبب می شود و معمولاً در این جا سبب اقوی از مباشر است فقط استثنایش قتل است در دو حالت پایینی شما در حوزه ی معاونت قرار دارید.

همواره چه معاونت را فرض کنیم چه سبب اقوی از مباشر مثل اکراه را فرض کنیم همه موارد جزو موارد جمع سبب و مباشر است پس مساله تسبیب را باید حواسمان باشد که هر جا کسی به عنوان سبب در خصوص عمل دیگری قرار دارد ما به آن نمی گوییم تسبیب تسبیبی که موضوع بحث ماست فقط این فرض دوم است فقها از این به عنوان تسبیب یاد میکنند و الا وقتی که بحث از علت تامه می شود دیگر اسم تسبیب را نمی برند اگر کسی در قالب ایجاد شرط یا رفع مانع مداخله کرده باشد اسم تسبیب را نمی برند هرچند که همه اینها از صُور اجتماع سبب است با مباشر یعنی یک سبب دارید و هم یک مباشر.

اگر فرد علت تامه عمل دیگری یا سبب تحقق عمل دیگری قرار بگیرد از نظر فقها یا مباشر است یا مسبب است اگر مباشر یا مسبب باشد مجرم تلقی می شود اما اگر مداخله اش به این نحو نباشد فرد را معاون فرض کرده اند در حوزه ارتکاب جرم اگر بخواهیم مجرم را لحاظ کنیم و بگوییم مجرمیت دو فرض دارد یا مباشرت یا تسبیب، مباشر کسی است که بلا واسطه کاری را انجام می دهد سبب یا مسبب کسی است که با واسطه انجام می دهد اما این با واسطه انجام دادن باید به نحوی باشد که شما به عنوان سبب یا علت تامه آن عمل شناخته بشوید نه اینکه ایجاد شرط یا رفع مانع کرده باشید ایجاد شرط و رفع مانع فرد را مسئول عمل دیگری نمی کند مثال: اگر شما کسی را دستش را بگیرید و به صورت فرد دیگری بزنید جراحت یا جنایتی که حاصل می شود را فرد نسبت به آن مسئول است آن فرد وسط چون اراده ای ندارد که بین نتیجه و عمل واقع شود اساساً حذف می شود یعنی حتی فرد را می توانید مباشر تلقی کنید و آن فرد وسط دیگر موضوعیت ندارد.

اگر مسئله سببیت مطرح باشد مثل مورد اکراه است کسی را اکراه می کنند به اینکه مال کسی را تخریب کند یا مال دیگری را بر باید اگر کسی فردی را مجبور به کاری کند یا اکراه به کاری بکند جز در مورد قتل اکراه کننده مسئول است اما نه از باب اینکه علت تامه است چون فردی که کار را انجام داده است به اراده خودش انجام داده اما اراده اش آزاد نبوده بحث ایجاد شرط که فقها گفته اند مثل این است که به کسی که می خواهد مشروب درست کند انگور مناسب مشروب سازی بفروشید یا به کسی که می خواهد کسی را بکشد تفنگ بفروشید.

شما نه مجبورش کرده اید نه به نحو علت تامه مداخله کرده اید اما آن شرط را برایش فراهم کردید یعنی اثری که واقع شده منوط به عمل شما بوده است رفع مانع مثل این است که یک نفر افتاده داخل آب شما می توانید نجاتش بدهی ولی بخاطر عداوت نجاتش نمی دهی پس این تئوری که فقها برای تقسیم بندی بحث دارند خیلی کارآمد است ولی در حقوق از آن استفاده ای نشده و کم تر مورد توجه است.